

تبیین الگوی فرزندپروری آسان بر اساس منابع اسلامی

Explain the easy parenting model based on Islamic sources

محقق: محسن جیرانی / دانش‌آموخته سطح سه مشاوره با رویکرد اسلامی مرکز تخصصی امام خمینی (ره) حوزه علمیه قم، قم، ایران.
مهدی عباسی / استادیار گروه روان‌شناسی دارالحدیث قم، قم، ایران.

Muhsen Jeyrani / Mohsen Jeirani, Graduate of Level 3 Counseling with Islamic Approach Imam Khomeini Specialized Center of Qom Seminary, Qom, Iran. mj.fm1367@gmail.com

Mahdi Abbasi / Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Dar al-Hadith, Qom, Iran.

ABSTRACT

The amount, conditions, situation and limits of easy taking and giving to children are among the most important influential issues in parenting.

The purpose of this study is to develop a model of facilitation in parenting based on Islamic sources. To achieve this goal, the semantic domain of facilitation was extracted based on dictionaries and religious texts.

Using the words and terms of this field, religious texts (Quran and Hadith) were searched and units of analysis related to the subject were identified.

By classifying and centralizing the identified texts were analyzed and conceptual components were extracted and determined.

The main components of the pattern of facilitation in Islamic texts were:

Procrastination, emancipation, age and rationality in religious teachings, not hindering involuntary bodily reflections, accepting less work, avoiding hard work,

چکیده

مقدار، شرایط، موقعیت و حدود آسان گرفتن و مهلت دادن به کودکان از جمله مهم‌ترین مباحث اثرگذار در فرزندپروری است. هدف این پژوهش تدوین مدل آسان‌گیری در فرزندپروری بر اساس منابع اسلامی است. برای رسیدن به این هدف حوزه معنایی آسان‌گیری بر اساس کتب لغت و متون دینی استخراج شد. با استفاده از واژگان و اصطلاحات این حوزه متون دینی (قرآن و حدیث) جستجو و واحدهای تحلیل مرتبط با موضوع مشخص شد. با طبقه‌بندی و مرکزی‌سازی متون مشخص شده تحلیل گردید و مولفه‌های مفهومی استخراج و معین شد. مولفه‌های اصلی الگوی آسان‌گیری در متون اسلامی عبارت بودند از: امهال، رهاسازی، تناسب سنی و عقلانی در امر به آموزه‌های دینی، مانع نشدن از بازتاب‌های غیر ارادی بدنی، پذیرش کار کم، پرهیز از واداری به کار سخت، شفقت ورزی، سازگاری و مدارا، یاریگری و گذشت از خطا. تحلیل داده‌ها

compassion, tolerance, help and forgiveness. Analysis of the data on the components of the child-rearing pattern showed that the child should be free to play for the first seven years.

The discipline of the child in the second seven years should always be with respect and preservation of his dignity, without coercion and with error and ignoring the shortcomings of the child. Religious teachings should also be taught to the child in a limited way at certain ages and then left to him until he reaches older ages.

In interaction with the child, with sufficient attention and love and responsible supervision; The principle of carelessness, mercy and compassion must be considered.

Keywords: Facilitate upbringing, respite, strictness, permission, parenting, release.

نسبت به مؤلفه های الگوی سهل‌گیری در فرزندپروری نشان داد کودک در هفت سال اول باید آزاد باشد تا به بازی بپردازد. تادیب کودک در هفت سال دوم، همواره باید با احترام و حفظ کرامت وی، بدون اجبار و توأم با خطاپذیری و چشم‌پوشی از کاستی‌های کودک باشد. آموزه‌های دینی نیز به صورت محدود در سنین خاصی به کودک آموزش داده شود و سپس او را رها کرد تا رسیدن به سنین بالاتر. در تعامل با کودک، در عین توجه و محبت کافی و نظارت مسئولانه؛ اصل مسامحت، رحمت و شفقت‌ورزی باید مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: آسان‌گیری در تربیت، مهلت دادن، سخت‌گیری، اذن دادن، فرزندپروری، آزادی دادن.

مقدمه

کیفیت ارتباط والدین با فرزندان، نقش اساسی در تربیت آنان دارد. از این رو بحث درباره چگونگی رفتار با فرزندان، همواره مورد توجه دانشمندان علوم تربیتی بوده است. یکی از مباحث مهم درباره نحوه ارتباط والدین با کودکان، بحث درباره میزان و نحوه آزادی دادن و آسان‌گیری بر کودکان است. کودکان پس از تولد، ارتباط خود را با محیط پیرامون گسترده‌تر می‌کنند. در خلال این ارتباط، بسیاری از نیازهای درونی آنها، اعم از جسمی، روانی و روحی برآورده می‌شود. خلاقیت و ابتکار، اعتماد به نفس، رشد شناختی و فکری و بسیاری از نیازهای دیگر، از طریق ارتباط آزادانه با محیط و کشف و انکشاف طبیعی به وجود می‌آید (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰، به نقل از: روملی).

در روایتی، امام کاظم علیه السلام بازیگوشی و لجاجت بازی کودک در کودکی را عامل زیادی عقل و اندیشه وی در بزرگی می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۴۵۳).

۱. تَسْتَحَبُّ عَزَامَةَ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ؛ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ: مَا يُتَّبِعُنِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

روان‌شناسان به آسان‌گیری و سخت‌نگرفتن والدین در فرزندپروری توجه ویژه‌ای داشته‌اند. فریود اعتقاد دارد والدینی که در مرحله مقعدی برای اعمال دفعی کودک بیش از اندازه سخت‌گیرند، سبب بروز احساس شرم و شک در کودک خواهند شد (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷). اریکسون موقعیت‌های دیگر را نیز افزوده است؛ مانند قاشق به دست گرفتن؛ جمع‌وجور کردن اسباب‌بازی‌ها؛ راه رفتن و... به عقیده وی، کودک در دوره خودمختاری در برابر شرم و تردید، وارد مرحله جدیدی از خودمختاری می‌شود و والدین باید با صبر و حوصله، به کودک اجازه دهند که آزادانه عمل کند (برک، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۸۴). اریکسون معتقد است در حدود یک تا دوسالگی، میل به خودمختاری کودک شدت می‌یابد و کودک خواهان درجاتی از استقلال می‌شود: شخصاً غذا بخورد؛ دنیا را بکاود و کار خود را با محدودیت کمتری از طرف مراقبین انجام دهد. اگر محدودیت خارج از منطق برای کودک ایجاد شود و اجازه کافی برای انجام کار به او داده نشود، دچار احساس شرم و شک درباره توانایی‌های خود می‌شود. فلیپ رایس (philp Rais) معتقد است که کودکان برای حفظ احساس فردیت، به کنترل آزادانه حیطه‌های فردی عمل نیاز دارند (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸).

اگر مراقبین کودک سخت‌گیری و بی‌حوصلگی به خرج دهند و کارهایی به او تحمیل کنند که در حد توان او نیست، حس شرم در برابر دیگران و احساس ناتوانی در مهار خود و جهان پیرامون، در او تقویت می‌شود. سن سه تا شش‌سالگی سن ابتکار در مقابل احساس گناه است. والدین باید در قلمروهای مختلف، به کودک فرصت آزادی عمل بدهند تا احساس ابتکار و خلاقیت در کودک تقویت شود. والدین مستبد و تنبیه‌گر موجب ایجاد حس گناهکاری در کودک می‌شوند (دادستان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸-۱۹۸).

یکی از دوره‌های دشوار فرزندپروری، تعیین میزان کنترل کردن و آسان گرفتن است. کودکان در محیطی محبت‌آمیز همراه با آزادی عمل، که در آن قواعدی بر اعمال و محدودیت‌هایی بر رفتار حاکم است و درعین حال کودکان به کاوشگری و آزمایش چیزهای تازه ترغیب می‌گردند، بیشتر شکوفا می‌شوند. در این محیط با بزرگ‌تر شدن کودکان، به آنان فرصت تصمیم‌گیری داده می‌شود. در نتیجه آنان به افرادی مستقل، با اعتماد به نفس، پرجرئت، برون‌گرا و فعال تبدیل می‌شوند (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰، به نقل از: روملی).

بر طبق نظریه شناختی - رشدی پیاز، کودکان با دست‌کاری و کاوش محیط خود، به طور فعال آگاهی کسب می‌کنند (برک، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۶). از این رو والدینی که بیجا سخت‌گیر

و ملامت‌گرند و اجازه ورود کودکان را به کارهای طبیعی و بی‌خطر نمی‌دهند، جلوی رشد شناختی فرزند خود را می‌گیرند.

از نظر روسو، آزادی دادن به کودکان، برای تجربه کردن کودکی است. آزادی باعث رشد استقلال و کاهش وابستگی به دیگران می‌شود. از نظر وی، والدین علاوه بر آزاد گذاشتن کودک برای بازی، باید به ایشان عشق بورزند و فرصت کنجکاو و تجربه را برایشان فراهم سازند (راموز، ۱۳۹۷).

قائمی (۱۳۵۸) در پژوهشی با عنوان «حدود آزادی در کودک: تربیت و آزادی‌های محدود» به زیان‌های اجتماعی اعمال محدودیت در تربیت کودک پرداخته و معتقد است: «زندگی کودکان محدود، توأم با تعارض، تضاد، اضطراب، بدبینی، یأس و گاهی هم کمروبی است». وی دلیل تعارض را میل ذاتی کودک به خودجوشی و آزادی از یک سو و سرکوب شدن این آزادی از سوی دیگر می‌داند.

ایمانی (۱۳۶۷) در پژوهشی با عنوان «تربیت اجتماعی (مدارس)»، آزادی کودک را در امر تربیت مهم و اساسی برمی‌شمرد و بیان می‌کند: تربیت اجتماعی کودک نباید به‌گونه‌ای باشد که سبب سلب آزادی او شود. وی در ادامه به تأثیر انواع بازی‌ها بر رشد شخصیت اجتماعی کودک می‌پردازد. طبیعی است که بازی کودک باید در محیطی آرام و آزاد باشد تا کودک بتواند خودجوش و خلاقانه به بازی بپردازد.

نساجی‌زاده (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی خلاقیت کودکان در خانواده» به بررسی عوامل و موانع رشد خلاقیت کودکان در خانواده پرداخته و به این نتیجه رسیده است که احترام و اعتقاد به توانمندی کودک، آزادی دادن به آنها در عمل و مانع نشدن از بازی‌های خودجوش و خلاقانه، باعث رشد مطلوب خلاقیت در کودکان می‌شود.

باقری (۱۳۸۵) در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، به برخی اصول تربیتی که شامل دوران کودکی نیز می‌شود، اشاره می‌کند. اصل مساحمت یکی از این اصول است. طبق این اصل، اساس تکلیف بر «سهولت» است. بنابراین، از تکالیف خارج از توان کودک باید چشم‌پوشی کرد. وی در ادامه، نخستین مرحله تربیت را دوره تمهیدی معرفی می‌کند و آن را دارای دو زیرمرحله می‌داند: الف) بازی تا هفت سالگی؛ ب) تأدیب از هفت سالگی تا بلوغ شرعی. طبق این مرحله، رهاسازی کودک در هفت سال اول برای بازی و تأدیب وی به آداب اسلامی و انسانی از هفت سالگی تا بلوغ، لازمه تربیتی صحیح است.

سروش محلاتی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تأملی در مشروعیت اجبار در تربیت دینی» به این نتیجه رسیده است که نمی‌توان از مشروعیت اجبار و سخت‌گیری در انجام تکالیف الهی در محیط خانواده دفاع کرد و وظیفه والدین صرفاً امر به تکالیف الهی و نهی از محرّمات است؛ یعنی علاوه بر اینکه اجبار در تربیت دینی اثرات مخربی دارد، جواز آن از حیث شرعی قابل اثبات نیست.

مقدسی‌پور (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «اصول و روش‌های آموزه‌های دینی به کودکان»، نخستین اصل در آموزش را اصل سهولت می‌نامد؛ بدین مفهوم که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی آنان را در نظر گرفت و از خشونت و سخت‌گیری پرهیز کرد؛ چراکه هدف از آموزش این مفاهیم، بالا رفتن شوق و انگیزه کودکان در یادگیری مفاهیم دینی است؛ درحالی‌که با سخت‌گیری، از شوق و انگیزه کودکان کاسته می‌شود.

دلشاد تهرانی در پژوهشی با عنوان «دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر» تسهیل و عدم سخت‌گیری را زمینه‌ساز نشاط، همراهی و همگامی کودک در تربیت می‌داند و سخت‌گیری را عامل بی‌میلی و به‌بار آوردن نتایج منفی در تربیت ذکر می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۶).

نوروزی و احمدی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر آسیب‌شناسی تربیت دینی»، مناسب‌ترین سبک تربیتی را حد میانه کمال‌گرایی افراطی و سهل‌انگاری، یعنی «آسان‌گیری» می‌داند. در کمال‌گرایی افراطی، به سن، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های متربی توجه نمی‌شود و سرزنش بیش از اندازه، نپذیرفتن عذرخواهی، نشان ندادن نرمش، بی‌توجهی به تدریج در تکالیف و استفاده از اجبار وجود دارد. در سهل‌انگاری، هیچ ضابطه و هدف تربیتی وجود ندارد و درواقع، خروج موضوعی از بحث تربیت صورت می‌گیرد؛ اما در سبک سهل‌گیری، ضابطه منعطف و نرم وجود دارد. ایشان در ادامه، دو روش برای تربیت سهل‌گیرانه معرفی می‌کنند: ۱. مرحله‌ای کردن تکالیف؛ ۲. تجدید نظر در تکالیف.

در پژوهش‌های یادشده، تا حدودی به میزان آسان‌گیری و آزادی فرزندان و فواید آن پرداخته شده؛ اما هیچ‌کدام از آنها با توجه به حوزه معنایی و تبیین مؤلفه‌های آسان‌گیری و تبیین یک الگوی مستقل، از روش تحلیل محتوای کیفی در متون دینی به کودکان نپرداخته است. بنابراین تاکنون پژوهشی مستقل به تبیین الگوی آسان‌گیری در فرزندپروری با رویکرد اسلامی نپرداخته است. در نتیجه این پژوهش‌ها درباره کم‌وکیف آموزش و امر به آموزه‌های

دینی مسکوت‌اند. ازسوی دیگر، این نظریات بعضاً در تعیین سن آسان‌گیری، موقعیت و شرایط آن، با همدیگر اختلاف دارند یا اینکه به تعیین سن خاصی اشاره نکرده‌اند. اسلام که دین تعلیم و تربیت است، با اتقان مسئله آزادی دادن به کودکان و محدوده آسان‌گیری را همراه با مشخص کردن سن و شرایط معین، مطرح کرده است. روایات زیادی درباره آسان گرفتن، اذن دادن، مهلت دادن به فرزند و همچنین زمان و شرایط و متعلق این اذن و فرصت دادن‌ها وجود دارد که در یافته‌های پژوهش به آنها پرداخته می‌شود. طبق فرموده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هر شخصی در زمینه تربیت فرزند خود مسئول است: «...وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ...» (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۴۵۹؛ سلیمان بن اشعث، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۳۰)؛ اما تشخیص اینکه در هر مرحله از مراحل رشد کودک، والدین چه وظیفه و مسئولیتی برعهده دارند، بسیار مهم و حساس است. بسیاری از اوقات، مسئولیت والدین، مهلت دادن، عدم سخت‌گیری، رها کردن، تخفیف و چشم‌پوشی است. تشخیص زمان و رعایت این وظیفه، به رشد صحیح روحی و روانی کودک کمک می‌کند و رعایت نکردن آن، پیامدها و آسیب‌های تربیتی زیادی در پی خواهد داشت.

بنابراین، بررسی حدود و میزان آسان‌گیری در امر تربیت با تکیه بر منابع اسلامی و با روش تحلیل محتوای متون دینی، از دو جهت اهمیت می‌یابد: ابتدا بر گستره علوم تربیتی مبتنی بر منابع اسلامی می‌افزاید؛ و دیگر اینکه نقشه راهی برای تربیت عملی فراروی والدین، مربیان و مشاوران ترسیم می‌کند. شناخت اینکه در چه سنی و در کدام امر، چه میزان از آزادی و مهلت به فرزند داده شود، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و از لغزش بسیاری از والدین و مربیان تربیتی در این امر مهم جلوگیری خواهد کرد. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست: مفاهیم و واژگان مرتبط با آسان‌گیری در تربیت کودکان چیستند؟ مؤلفه‌های مفهومی آسان‌گیری در تربیت کودکان کدام‌اند؟ عناصر ساختاری و فرایندی الگوی آسان‌گیری در تربیت کودکان چیستند؟

روش پژوهش

به منظور استخراج مؤلفه‌ها و تبیین ساختار مفهومی آسان‌گیری در تربیت کودکان بر اساس متون اسلامی (قرآن و حدیث)، از معناشناسی زبانی (language semantics) استفاده شد. این کار با روش تحلیل مؤلفه‌ای (componential analysis) برآمده از نظریه حوزه‌های معنایی

(semantic fields) (تیریر، ۱۹۳۱، ۱۹۳۴؛ وایز گبر، ۱۹۵۴؛ به نقل از: شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳) اجرا شد. به منظور استخراج مؤلفه‌های مفهومی آسان‌گیری در تربیت کودکان، جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی تحلیل محتوا (content Analysis) شدند. مؤلفه‌های مفهومی (conceptual component)، به عنوان معنای اصلی پیام موجود در جملات کتب لغت، اصطلاح و متون اسلامی در نظر گرفته شد (ن.ک: سرمد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳) و واحدهای تحلیل (analysis units) را جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی تشکیل می‌دادند. در این پژوهش، هر دو محتوای آشکار و پنهان متون بررسی شدند و تحلیل داده‌ها، نه با شمارش واحدهای تحلیل، بلکه با بررسی مضمون اصلی جملات توصیفی - تبیینی در متون اسلامی و مقوله‌بندی آنها انجام شد. براین اساس تحلیل محتوا، از نوع کیفی (qualitative data analysis) و با رویکرد تفسیری (Interpretive Content Analysis) است (نک: دریسکو^۱ و ماشی^۲، ۲۰۱۵: ص ۳؛ بابی^۳، ۲۰۱۱: ص ۳۶۴) (عباسی، ۱۳۹۷).

جامعه اسناد و گزینش نمونه: جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی (قرآن کریم و روایات) و مرتبط با حوزه معنایی سهل‌گیری در مواجهه با کودکان، جامعه اسناد را در این پژوهش تشکیل داده‌اند (ن.ک: بابی، ۲۰۱۱م، ص ۳۵۸). این جملات روایات مورد مراجعه، بر اساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۳)، در منابع روایی سطوح الف، ب و ج قرار دارند. در پژوهش حاضر، جملات انتخاب شده در قرآن کریم و روایات، دارای ملاک «ارتباط با آسان‌گیری در مواجهه با کودکان» بودند (ر.ک: سرمد، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). نحوه این ارتباط را وجود واژه‌ها و مفاهیم حوزه معنایی سهل‌گیری با کودکان در آیات و روایات تعیین کرد. بدین ترتیب، هر واحد تحلیل که برای توصیف مؤلفه‌ها و تبیین ساختار مفهومی آسان‌گیری با کودکان مناسب بود، شانس قرار گرفتن در نمونه پژوهش را داشته است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، محتوای آشکار و پنهان متون اسلامی (قرآن و حدیث) تجزیه و تحلیل شدند. این کار، نه با روش شمارش داده‌ها، بلکه با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها (qualitative data analysis) انجام شد (ن.ک: بابی، ۲۰۱۱م، ص ۳۶۴؛

1 Drisko, J. W.

2 Maschi, T.

3 Babbie, E.

دریسکو و ماشی، ۲۰۱۵م، ص ۶). برای تحلیل کیفی داده‌ها، از شیوه مقوله‌بندی (بابی، ۲۰۱۱م) استفاده شد. این کار، طبق نظر سرمد و همکاران (۱۳۸۰، ص ۲۰۷) به واسطه سه فعالیت انجام شد: تلخیص داده‌ها (data reduction)؛ عرضه داده‌ها (data display)؛ نتیجه‌گیری (conclusion drawing / verification).

شیوه اجرا: استخراج مؤلفه‌ها و تبیین ساختار مفهومی آسان‌گیری با کودکان در پژوهش پیش رو، به ترتیب در سه اقدام انجام شد:

۱. تشکیل حوزه معنایی که با هدف جمع‌آوری واژگان و مفاهیمی انجام شد که به‌طور مستقیم و معکوس از «آسان‌گیری» حکایت می‌کردند. برای تعیین حوزه معنایی یا مرزبندی ویژگی‌های مرتبط با مفهوم آسان‌گیری، حوزه مفهومی (conceptual field) و حوزه واژگانی (lexical field) بررسی شدند (لاینز، ۱۹۷۷م، به نقل از: گیرتس، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰). برای استخراج واژگان و مفاهیم مرتبط با آسان‌گیری از جملات موجود در کتاب‌های لغت، اصطلاح و متون تخصصی، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. نتیجه این گام، جمع‌آوری مفاهیم و واژگان در حوزه معنایی آسان‌گیری و سخت‌گیری بود که مبنای جست‌وجوی متون در منابع اسلامی قرار گرفت.

۲. جمع‌آوری جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با مفهوم آسان‌گیری و سخت‌گیری با کودکان در منابع اسلامی (قرآن و حدیث)، به واسطه جست‌وجو بر اساس کلیدواژه‌های به‌دست‌آمده در حوزه معنایی آسان‌گیری انجام شد. اینکه هر کدام از متون اسلامی یافت شده، در مجموعه جملات توصیفی و تبیینی مفهوم آسان‌گیری در مقابل سخت‌گیری با کودکان قرار گیرد یا نه، مبتنی بر فهم متن و فهم مقصود از متون (ر.ک: مسعودی، ۱۳۸۹) و سپس فهم روان‌شناختی (پسندیده، ۱۳۸۶) از آنها بود.

۳. به‌منظور استخراج ویژگی‌های مؤثر در مفهوم آسان‌گیری در مواجهه با کودکان، مقوله‌بندی متون دینی و مفهوم‌سازی انجام گرفت. بدین‌منظور، سه اقدام پیگیری شد: ۱. تلخیص و مرکزی‌سازی مضمون جملات آیات قرآن و روایات به‌منظور استخراج مضمون اصلی مرتبط با مفهوم آسان‌گیری و سخت‌گیری با کودکان؛ ۲. عرضه مضمون‌های استخراج‌شده در گروه‌های متمایز بر اساس اشتراک موضوعی؛ ۳. نتیجه‌گیری و مشخص کردن مؤلفه‌ها به واسطه نام‌گذاری آنها.

یافته‌های پژوهش

۱. حوزه معنایی آسان‌گیری در برابر سخت‌گیری

با توجه به اینکه آسان‌گیری در برابر سخت‌گیری در تربیت کودک فراتر از معنای یک واژه است، به منظور جمع‌آوری متون اسلامی مرتبط با موضوع، حوزه معنایی تشکیل شد. از بررسی کتب لغت و اصطلاح‌شناسی درباره «آسان‌گیری و سخت‌گیری نسبت به فعل یا تکلیف دیگری»، واژگان و مفاهیم در حوزه معنایی آسان‌گیری به دست آمد. جدول ۱، نتایج مربوط به حوزه معنایی آسان‌گیری در برابر سخت‌گیری را بر اساس کتاب‌های لغت نشان می‌دهد.

جدول ۱. حوزه معنایی آسان‌گیری در کتب لغت و اصطلاح و طبقه‌بندی تحلیل آن

واژه‌ها یا مفاهیم	توضیح و استدلال	منبع
مهلت دادن (امهل)	به معنای عدم عجله، رفق و همراهی، فرصت دادن و آزاد گذاشتن در یک زمان خاص است. این مفاهیم به نوعی با مفهوم آسان‌گیری ممزوج‌اند.	ابن منظور (۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۳۳)؛ جوهری، (۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۸۲۲)
ارخاء (تراخی) یا در سعه بودن	به معنای در سعه و آزادی بودن است. این مفهوم و مفهوم آسان‌گیری، لازم و ملزوم همدیگرند.	فیروزآبادی (۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۴۵۳؛ بستانی (۱۳۷۵، ص ۵۷)
رها کردن (دع، یترک)	یکی از معانی کلمه «دع»، کلمه «ذر» یعنی رها کردن است. در مفهوم رها گذاشتن، مفهوم آسان‌گیری نیز نهفته است.	ازهری (۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۸۷)
	ترک کردن به معنای واگذاشتن و رها کردن است. در این مفهوم نیز نوعی آسان‌گیری نهفته است.	جوهری (۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۷۷)؛ ابن منظور (۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۰۵)
امر کردن (نأمر)	به معنای مکلف کردن دیگران و طلب کاری از آنان است. مکلف کردن دیگران به کاری، محدود کردن و عدم رهاسازی آنان را در پی دارد و این مفهوم، به نوعی در مقابل مفهوم آسان‌گیری است.	راغب اصفهانی (۱۴۱۲، ص ۸۸)، فیومی (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۱)
مانع نشدن از بازتاب‌های بدنی غیرارادی	مانع نشدن از بازتاب غیرارادی، مانند بول کردن صبی، به معنای عدم سخت‌گیری در این امر است. بنابراین در مفهوم توصیه به عدم قطع بول صبی، مفهوم آسان‌گیری نهفته است.	جوهری (۱۳۷۶ق، ص ۱۹۴۱)؛ ابن منظور (۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۳)

پذیرش کار کم (قبول میسوره)	پذیرش کار کم به معنای آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری بر کودک است.	قرشی بنابی (۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۲۵)؛ صاحب‌بن‌عباد (۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۳)
گذشت از ناتوانی (تجاوز عن معسوره)	گذشت از ناتوانی به معنای پذیرش کاری است که در توان کودک است و چشم‌پوشی از کاری است که در توان کودک نیست. همچنین به معنای تخفیف دادن بر کودک نیز می‌باشد. در دل این مفاهیم، معنای آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری بر کودک برداشت می‌شود.	حمیری (۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۲۲۸)؛ جوهری (۱۳۷۶، ج ۳، ص ۸۷)
پرهیز از واداری به کار سخت (عدم ارهاق)	عدم ارهاق به معنای عدم سخت‌گیری، تحمیل نکردن کاری دشوار و خارج از طاقت کودک است.	جوهری (۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۸۷)؛ طریحی (۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۷۴)
شفقت‌ورزی (رحم کردن)	رحمت، مهربانی و رقتی است که مقتضی احسان است به مرحوم و شخصی که محتاج است. لازمه این مهربانی و رفع احتیاج، عدم سخت‌گیری و آسان‌گرفتن است.	راغب (۱۴۱۲)؛ قاموس (ج ۳، ص ۷۰)
سازگاری و مدارا (الرفق)	رفق و مدارا با کودک به معنای عدم خشونت و سازگاری با اوست. در دل مفهوم خشونت نداشتن و سازگاری، مفهوم آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری وجود دارد.	ابن‌منظور (۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۱۸)؛ قرشی بنابی (۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۱۰)
باریگری (المعونه)	در مفهوم باریگری، معاونت، همراهی و پشتیبانی بودن برای کودک، مفهوم عدم سخت‌گیری و آسان‌گیری نهفته است.	راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۵۹۸)؛ ابن‌منظور (۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۹۸)
گذشت از خطا (عفو و ستر)	بخشش، چشم‌پوشی و پوشاندن خطاهای کودک، بر آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری بر کودک دلالت دارند.	طریحی (۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۹)؛ راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۳۹۶)

۲. ویژگی‌های آسان‌گیری در برابر سخت‌گیری در تربیت کودکان

الف) مهلت دادن به کودک

در منابع اسلامی به والدین توصیه شده است که در امر تأدیب و تربیت، به کودکان خود تا هفت سال اول مهلت بدهند. از روایات مربوطه چنین برداشت می‌شود که در مدت هفت سال اول نباید در امر تأدیب، با تشدید و سخت‌گیری، برای کودک محدودیت ایجاد شود؛ بلکه باید با مهلت دادن، زمینه بازی کردن او را فراهم ساخت. جدول ۲ این مقوله و نحوه استخراج آن از متون اسلامی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقوله مهلت دادن در هفت سال اول و نحوه استخراج آن از متون اسلامی

ویژگی	مضمون	سند
مهلت دادن	مهلت دادن به کودک جهت تأدیب و تربیت، تا رسیدن به هفت سالگی	- امهل صبیک حتی یأتی له ست سنین - یرخی الصبی سبعا و...
	مهلت دادن به کودک درباره تکالیف خارج از توانایی و طاقت او	... فَرُّوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَيْنَ تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ... - وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاقَ
	مهلت دادن به کودک درباره تکالیف خارج از قدرت عقل و فهم	- إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ وَقَرَأَ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ الصَّلَاةَ - يُؤَمَّرُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ

بر اساس جدول ۲، در ذیل مقوله «مهلت دادن»، سه مفهوم استخراج شده که تحلیل محتوای آن بدین شرح است:

۱. مهلت دادن به کودک جهت تأدیب و تربیت، تا رسیدن به هفت سالگی: در دو روایت صدر جدول توصیه شده است که در هفت سال اول، نسبت به تأدیب و تربیت کودک محدودیتی ایجاد نشود و کودک در فراخ باشد (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳)^۱ و به او مهلت داده شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷)^۲ تا در امور خود آزاد باشد؛ چراکه نوعاً محور تربیت کودکان در این سن، بازی است.

۱. مهلت دادن به کودک درباره تکالیف خارج از توانایی و طاقت او: گروهی از روایات در زمینه آموزش و امر به انجام تکالیف دینی، هم سن خاص و هم مقدار طاقت کودک را مدنظر داشته‌اند^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۰) و در غیر از سنین یادشده، کودکان باید در مهلت باشند. ممکن است ذکر سن به دلیل ارشاد به این قضیه باشد که کودکان نوعاً در همان سنین گفته شده، به سن درک و فهم و طاقت جسمی می‌رسند.

۲. رها گذاشتن کودک درباره تکالیف خارج از قدرت عقل و فهم: در برخی روایات، به والدین

۱. یرخی الصبی سبعا، ویؤدب سبعا، ویستخذم سبعا، ومنتهی طوله فی ثلاثٍ وعِشرین سنَّةً، وعقله فی خمسٍ وقلاتین سنَّةً، وما کان بعدَ ذلِکَ فیالتجارب.

۲. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: أمهل صبیک حتی یأتی له ست سنین ثم صمه إلیک سبع سنین فأذبهُ بأدبک فإن قَبِلَ و صلح و إلا فخل عنه.

۳. إنا نأمُر صبیاننا بالصلاة إذا كانوا بَینَ خمس سنین، فَرُّوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَینَ سَبْعِ سنین، وَحُنْ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَینَ سَبْعِ سنینَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا عَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْفَرْغُ أَفْطَرُوا، حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيُطْبِقُوهُ، فَرُّوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَینَ تِسْعِ سنینَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا عَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

دستور داده شده است کودکانشان را در صورتی که به سن تعقل و طاققت جسمی رسیده‌اند، به نماز و روزه امر کنند (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۳) و در غیر این صورت، برای کودک هیچ‌گونه آموزش، واداشتن و مؤاخذه‌ای در نظر گرفته نشده است؛ بلکه باید آنان را رها گذاشت. در روایات دیگری توصیه شده است که کودکان در سنین خاصی به انجام دستورات دینی امر شوند و پیش از آن سنین، به کودکان مهلت داده شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۰).^۲

ب) رها گذاشتن کودک برای بازی

در برخی دیگر از روایات آمده است که والدین کودکان خود را رها کنند تا به بازی بپردازند یا اینکه در راستای بازی کردن کودک، خود را به صباوت (کودکی) بزنند. در روایاتی نیز توصیه شده است که در مورد بازی کردن کودک عجله نکنند و تا پایان بازی‌شان صبر کنند تا نیازهای درونی آنها برآورده شود. جدول ۳، مقوله «رها کردن کودک» و مؤلفه‌های آن و همچنین چگونگی استخراج این مؤلفه‌ها را از متون دینی نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقوله رها کردن کودک برای بازی در هفت سال اول و نحوه استخراج آن از متون اسلامی

مقوله	مؤلفه	سند
رها کردن کودک برای بازی	رها گذاشتن کودک برای بازی	- دع اینک یلعب سبع سنین..
	مهربانی درباره بازی کردن کودک	- ان النبي ﷺ كان یصلی... ان کنتم تومنون بالله رحمت الصبیان
	صباوت (کودکی)	- من کان له ولد صبا
	عجله نکردن برای اتمام بازی کودک	- خرج علينا رسول الله فی احدی صلاقی العشاء وحامل حسنا و حسینا... فکرت ان اعجله حتی یقضی حاجته

بر اساس جدول ۳، رها گذاشتن کودک، در چند مؤلفه خلاصه می‌شود که تحلیل محتوای آنها بدین شرح است:

۱. يُؤمَّر الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ، وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاقَ. إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ وَقَرَأَ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ عَلَّمَ الصَّلَاةَ.

۲. إِذَا تَأَمَّرَ صَبِيَانَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَمْسِ سَنِينَ، فَرُوا صَبِيَانَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سَنِينَ، وَحَسْبُ تَأَمَّرَ صَبِيَانَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سَنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا عَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْقَرْبُ أَفْطَرُوا، حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيُطَبِقُوهُ، فَرُوا صَبِيَانَا إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سَنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا عَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

۱. رها گذاشتن کودک در هفت سال اول: طبق روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام محور تربیت در هفت سال ابتدایی کودک، آزاد گذاشتن او برای بازی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷).^۱ بر اساس این روایت و روایات دیگری که به آموزش دادن کودک در حد فهم و درک و توانایی او در هفت سال اول اشاره دارند، می‌توان گفت که محور تربیت در هفت سال اول، بازی کردن است؛ اگرچه آموزش‌های دینی در حد مختصر و با رعایت شرایط خاص وجود دارد. در ادامه، به روایاتی که به آموزش دادن کودک توصیه می‌کنند، اشاره خواهد شد.
 ۲. مهربانی درباره بازی کردن کودک: مهربانی و رحمت داشتن درخصوص بازی کردن کودک، هم در سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هم در توصیه‌های ایشان نقل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۷۱؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ص ۳، ص ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۹۶). بر اساس اسناد مذکور، توصیه شده است که والدین حتی زمانی که به نماز ایستاده‌اند، درخصوص بازی کردن کودکان مهربانی کنند و نماز خود را طول دهند تا کودک به بازی بپردازد.
 ۳. صباوت: برخی از روایات به والدین توصیه کرده‌اند که خود را به صباوت (کودکی) بزنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰).^۲ صباوت با کودکان، زمینه را برای بازی کردن آنها فراهم می‌سازد و باعث لذت‌بری بیشتر آنها می‌شود.
 ۴. عجله نکردن برای اتمام بازی کودک: در سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که حضرت قسمتی از نمازش را بسیار طولانی کردند تا نوه‌اش بر دوش او به بازی بپردازد و تا وقتی بازی کودک تمام نشد، سر از سجده برنداشتند؛ و پس از نماز در پاسخ به سؤال حضار درباره طول دادن سجده، فرمودند: کراهت داشتم که با عجله، بازی کودک را قطع کنم (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۲۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۵۳). براین اساس، عجله نکردن و صبوری کردن درباره بازی کودک، یکی از وظایف توصیه شده به والدین است.
- مقوله رها کردن کودک بعد از آموزش مختصر و امر به تکالیف دینی:** دسته‌ای از روایات، آموزش و امر به آموزه‌های دینی را در سنین و شرایط خاصی تجویز کرده‌اند و در غیر آن، به رها کردن کودک توصیه نموده‌اند. جدول ۴ چگونگی نتیجه‌گیری این مقوله و مؤلفه‌های آن را از متون اسلامی تا سن هفت‌سالگی نشان می‌دهد. در جدول ۵ نیز از سن هشت‌سالگی به بعد نمایش داده می‌شود.

۱. الإمام الصادق عَلَيْهِ السَّلَام: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أفلَحَ، وَإِلَّا فَانْتَهُ بِمَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.
 ۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا.

جدول ۴. مقولہ رها کردن کودک بعد از آموزش و امر به تکالیف دینی تا سن ہفت سالگی و نحوه

استخراج آن از متون اسلامی

مقولہ	مؤلفہ	سند
رها کردن کودک در زمینہ آموزش و امر بہ تکالیف دینی	رها گذاشتن کودک در سنین خاص	- اذا بلغ الغلام ثلاث سنين يقال له قل لا اله الا الله سبع مرات... سند

بر اساس جدول ۴، ذیل مقولہ رها کردن کودک در زمینہ آموزہ ہای دینی، یک مؤلفہ از متون اسلامی استخراج شدہ کہ تحلیل محتوای آن بدین شرح است:

- رها گذاشتن کودک در سنین خاص: گروہی از روایات بہ والدین توصیه می کنند کہ از سن سه سالگی بہ صورت خیلی محدود، برخی از مفہیم دینی را بہ کودکان خود بیاموزند؛ سپس کودک را تا سن سه سال و ہفت ماہ و بیست روز رها کنند؛ سپس مفہومی دیگر بہ کودک بیاموزند. بہ همین ترتیب، در برخی سنین با توجہ بہ رشد عقلی و انتزاعی و توانایی جسمی کودک، آموزش ہا و تکالیف بیشتر می شود؛ تا اینکہ کودک بہ سن ہفت سالگی برسد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱).^۱ در خارج از سنین معین، از والدین خواستہ شدہ است کہ کودکان خود را رها بگذارند.

جدول ۵. مقولہ رها کردن کودک بعد از آموزش و امر بہ تکالیف دینی از سن ہشت سالگی بہ بعد و نحوه

استخراج آن از متون اسلامی

مقولہ	مؤلفہ	سند
رها گذاشتن کودک بعد از آموزش و امر بہ تکالیف دینی	رها گذاشتن کودک در سنین خاص و مؤاخذہ کودک در سنین دیگر	...فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ: اغْسِلْ وَجْهَكَ وَكَفْيَكَ، فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ، صَلِّ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعَ سِنِينَ...
	و اداشتن کودک بہ انجام تکلیف، در حدی کہ کودک قادر بہ انجام آن است	... وَكَمْ أُنِيَ عَلَى الْعُلَامِ؟ فَقَالَ ثَمَانِي سِنِينَ. فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ يَتْرُكُ الصَّلَاةَ؟ قَالَ: قُلْتُ: يُصِيبُهُ الْوَجَعُ، قَالَ: يُصَلِّي عَلَى نَحْوِ مَا يَقْدِرُ.

بر اساس جدول ۵، برای کودکان ہشت سال بہ بالا، ذیل مقولہ رها گذاشتن کودک در آموزش و

۱. الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا بَلَغَ الْعُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَسَبْعَةُ أَشْهُرٍ عَشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. وَيُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلْ: «سَبْعَ مَرَّاتٍ: (صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ)». ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ حَمْسُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَأَيُّهُمَا شِمَالُكَ؟ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَيُقَالُ لَهُ: أَسْجُدْ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ: اغْسِلْ وَجْهَكَ وَكَفْيَكَ، فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ، صَلِّ... .

- امر به تکالیف دینی، دو مؤلفه وجود دارد که تحلیل محتوای آنها در متون اسلامی بدین شرح است:
۱. رها گذاشتن کودک در سنین خاص: در روایتی که پیش تر هم ذکر شد، آمده است که وقتی هفت سال کودک تمام شد، به او گفته می شود که صورت و دستانش را بشوید و سپس نماز بخواند؛ سپس کودک تا سن نه سالگی رها می شود. در سن نه سالگی به او وضو یاد داده می شود و به نماز امر می گردد. اگر کودک وضو نگیرد و نماز نخواند، تا حدودی سخت گیری و گوش مالی می شود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱).
 ۲. در روایتی از والدین خواسته شده است که کودکان هشت ساله را در صورتی که نماز خواندن برایشان سخت و دشوار است، به گونه ای که قادر به انجام آن هستند، به نماز وادارند و در خارج از مقدور، سخت گیری نکنند (همان).

ج) مانع نشدن از بازتاب های بدنی غیرارادی

در برخی روایات یا در سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که برای بول کردن کودک نباید ممانعتی صورت بگیرد تا کودک با آرامش قضای حاجت کند. جدول ۶ چگونگی نتیجه گیری این مقوله از متون اسلامی را نشان می دهد.

جدول ۶. مقوله مانع نشدن از نجس کاری و رها کردن کودکان و نحوه استخراج آن از متون اسلامی

مقوله	مؤلفه	سند
مانع نشدن و رها کردن کودک	مانع نشدن از بازتاب غیرارادی کودک هنگام بول کردن	.. لا تُزَمُّوا بِالصَّبِيِّ، فَيَدَعُهُ حَتَّى يَقْضِيَ بَوْلَهُ..

بر اساس جدول ۶، ذیل مقوله مانع نشدن از بازتاب های غیرارادی کودک، یک مؤلفه استخراج شده است که تحلیل محتوای آن بدین شرح است:

مانع نشدن از بازتاب های غیرارادی کودک هنگام بول کردن: در پاره ای از روایات آمده است که وقتی کودکی در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله بول می کرد، اصلاً ناراحت نمی شدند و نمی گذاشتند که دیگران بول کردن کودک را قطع کنند و او را آزاد می گذاشتند تا اینکه بول او تمام شود (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۴۰).

۱... فَإِذَا نَمَّ لَهُ سَبْعَ سِنِينَ قِيلَ لَهُ: اغسب وجهك وكفيك، فإذا غسلها قبل له، صل. ثم يتبرك حتى يتم له تسع سنين، فإذا تمت له علم الوضوء، وضرب عليه، وامر بالصلاة، وضرب عليها. فإذا تعلم الوضوء والصلاة غفر الله عز وجل له ولوالديه إن شاء الله.

۲. عن الحسن بن قارن: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام - أو سئل وأنا أسمع - عن الرجل يحن ولده وهو لا يصلي اليوم واليومين، فقال: ومك أتى على الغلام؟ فقال ثماني سنين. فقال: سبحان الله يتبرك الصلاة؟ قال: قلت: يُصْبِيهِ الِوَجَعُ، قال: يُصَلِّي عَلَى نَحْوِ مَا يَقْدِرُ.

۳. كان صلى الله عليه وآله يؤتى بالصبي الصغير ليدعو له بالبركة أو بسنيته، فبأخذه فيضعه في حجره: تركة لأهله، فربما بال الصبي عليه، فيصحب بعض من رآه حين بال، فيقول صلى الله عليه وآله: لا تزموا بالصبي، فيدعه حتى يقضى بوله، ثم يفرغ له من دُعائه أو

۳. دیگر مقوله‌های مرتبط با آسان‌گیری

در دسته‌ای از روایات توصیه شده است که والدین با پذیرندگی، و انداختن کودک به امور دشوار، عفو و گذشت، ستر و چشم‌پوشی و رفتار یاورانه، به فرزندان خود کمک کنند. در همه این موارد، به نوعی مفهوم تسهیل و عدم تشدید و سخت‌گیری یافت می‌شود. جدول ۷ چگونگی نتیجه‌گیری این مقوله‌ها و مؤلفه‌های آنها را از متون اسلامی نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که تمامی مقوله‌هایی که در ذیل می‌آید، هم مخصوص کودکان زیر هفت سال و هم بالاتر از آن است.

جدول ۷. دیگر مقوله‌های مرتبط با ترخیص و نحوه استخراج مؤلفه‌های آنها از متون اسلامی

مقوله	مؤلفه	سند
پذیرش کار کم	پذیرش اموری که انجام دادنش برای کودک آسان است.	- رَحِمَ اللهُ مِنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَي بَرٍّ... يُقْبَلُ مَيْسُورَةً... وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورَةٍ...
گذشت از ناتوانی	چشم‌پوشی از اموری که انجام دادنش برای کودک دشوار است.	- وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورَةٍ - يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ... - إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرِكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِيَتَلَّ بِحِمْلِهِ الْإِخْرَاجَ عَلَى الْمَكَابِرَةِ - إِذَا عَاتَبْتَ فَاسْتَبِقِ
پرهیز از واداری کودک به کار سخت	وانداختن کودک به کار سخت در امورات مختلف	
شفقت‌ورزی	دوست داشتن کودک و ترحم به او در زندگی و هنگام وعده دادن	- أَحْبِبُوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فُفُوا
مهربانی در تعلیم		- حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ... - ...أَمَا سَمِعْتُمْ صَرَخَ الصَّبِيِّ...
یاریگری	رفق و یاری دادن به کودک در امور زندگی	- حَقُّ الصَّغِيرِ... وَالرِّفْقُ بِهِ، وَالْمَعْوَنَةُ لَهُ
گذشت از خطا	عفو و پوشیدن خطا در تعامل با کودک	- رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَي بَرٍّ، وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ سَيِّئَتِهِ - حَقُّ الصَّغِيرِ... وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسِّرُّ عَلَيْهِ - إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرِكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِيَتَلَّ بِحِمْلِهِ الْإِخْرَاجَ عَلَى الْمَكَابِرَةِ - إِذَا عَاتَبْتَ فَاسْتَبِقِ - نَهَى رَسُولُ اللهِ ﷺ عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْقَضَبِ

جدول ۷، شش مقوله را نشان می‌دهد که وجه مشترک همه آنها عدم تشدید و سخت‌گیری

است. تحلیل محتوای این مقوله‌ها و مؤلفه‌های آنها بدین شرح است:

۱. پذیرش اموری که برای کودک آسان است: در روایتی از والدین خواسته شده است که در تعامل با کودک، نسبت به امور در حد توان کودک، پذیرندگی داشته باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰).
 ۲. چشم‌پوشی و گذشت از اموری که برای کودک دشوار است: در ادامه روایت سابق آمده است که نسبت به امور خارج از توان کودک چشم‌پوشی شود (همان).^۲ روایتی دیگر، زمان امر کردن به کودکان برای انجام برخی اعمال دینی را وقتی می‌داند که کودک به تعقل رسیده باشد (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۳).^۳ بنابراین، والدین نباید از کودک بخواهند کاری را که در توانایی او نیست، انجام دهد.
 ۳. وانداشتن کودک به کارهای سخت: در ادامه روایتی که ذکرش گذشت، توصیه شده است که والدین فرزندان را به کاری وادار نکنند (همان).^۴
 ۴. شفقت و رزری با کودک: این مقوله دارای دو مؤلفه است:
 - الف) دوست داشتن کودک و محبت به وی: برخی روایات به محبت کردن و ترحم داشتن به فرزندان در زندگی و وفا به وعده‌هایی که به آنان داده شده است، توصیه کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹).^۵
 - ب) عطف در آموزش: در روایتی دیگر، به مهربانی در هنگام تعلیم و آموزش دادن به کودکان توصیه شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۵).^۶
 ۵. یاریگری و رفتار یاورانه و حمایت‌کننده با کودک: در روایتی، رفق و مدارا با کودک و کمک کردن به او، از جمله حقوق کودکان بر والدین شمرده شده است (همان).^۷
 ۶. عفو و گذشت و پوشیدن خطاهای کودک: برخی روایات از والدین خواسته‌اند که در تعامل با کودک، همواره با عفو و گذشت رفتار کنند و از خطاهای کودک چشم‌پوشند؛ و این امر، از جمله
-
۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ....
 ۲. وَتَبْتَاجَاوَزَ عَنْ مَعْسُورِهِ....
 ۳. يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ، وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاقَ. إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ وَقَرَأَ شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ عَلَّمَهُ الصَّلَاةَ.
 ۴. وَلَا يُزَهِّفُهُ....
 ۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً فَقُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَذَرُونَ إِلَّا أَنْتُمْ تَرْزُقُوهُمْ.
 ۶. حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ....
 ۷. حَقُّ الصَّغِيرِ.... وَالرِّفْقُ بِهِ، وَالْمَعُونَةُ لَهُ.

حقوق کودکان بر والدین شمرده شده است (همان).^۱ در روایتی دیگر، از والدین خواسته شده است که در هنگام معاتبه فرزند خود، جایی برای بازگشت و فرصتی برای خروج وی قرار دهند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۳۳۳).^۲ برخی از روایات نیز از تکرار سرزنش کردن نهی کرده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۳۷۴۷).^۳ پیامبر ﷺ در روایتی از تأدیب هنگام غضب نهی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۴۸).^۴ این روایت، خود بر آسان‌گیری و اغماض والدین از خطاهای کودک دلالت می‌کند؛ چراکه غضب نشان‌دهنده عدم گذشت از خطاهاست.

خلاصه و مرکزی سازی مؤلفه‌های مفهومی آسان‌گیری در فرزندپروری

جدول ۸، خلاصه مقوله‌ها و مؤلفه‌های مفهومی آسان‌گیری در متون اسلامی را نشان می‌دهد.

جدول ۸. خلاصه مقوله‌ها و مؤلفه‌های مفهومی آسان‌گیری در متون اسلامی

مضمون	مؤلفه	مقوله
محور تربیت کودکان در هفت سال اول، بازی است. از این رو باید به کودک مهلت داده شود تا به بازی بپردازد.	مهلت دادن به کودک جهت تأدیب و تربیت	مهلت دادن
پرهیز از واداری کودک به تکالیفی که در توانش نیست.	مهلت دادن در تکالیف خارج از توان	
پرهیز از واداری کودک به تکالیف خارج از درک و فهمشان	مهلت دادن در تکالیف خارج از تعقل	
- کودک در هفت سال اول رها شود تا به بازی بپردازد. - مهربانی و ترحم و عدم سخت‌گیری درباره بازی کودک - توصیه به صباوت با کودکان - صبر داشتن و عجله نکردن برای اتمام بازی کودک	رها گذاشتن کودک برای پرداختن به بازی	رها کردن کودک
آموزش مفاهیم دینی در برخی از سنین و رها کردن کودک در خلال و خارج از این سنین	رها گذاشتن کودک در سنین خاص	

۱. حَقُّ الصَّغِيرِ.. وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالْبَسْرُ عَلَيْهِ. رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ، وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ سَيِّئَتِهِ، وَيَدْعُو لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ.
 ۲. إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتَّبِعِي لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِئَلَّا يَحْمِلَهُ الْإِخْرَاجَ عَلَى الْمَكَاثِرَةِ.
 ۳. إِنَّا كُنَّا أَنْ تُكْرِزَ الْعَتَبُ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ، وَهُوَ الْعَتَبُ.
 ۴. تَمَّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْعَضْبِ.

توصیه به عدم قطع بول کودک در هنگام نجس کردن	مانع نشدن و رها کردن کودک در هنگام نجس کردن و بول کردن	مانع نشدن از بازتاب‌های بدنی غیرارادی
توصیه به پذیرش اموری که انجام دادنش برای کودک آسان است	پذیرش کار کم و در حد توان کودک	پذیرش کار کم
توصیه به چشم‌پوشی از اموری که انجام دادنش برای کودک دشوار است	بخشش و چشم‌پوشی از اموری که برای کودک دشوار است	گذشت از ناتوانی
توصیه به سخت‌گیری نکردن بر فرزندان و عدم اجبار آنها در امور	عدم سخت‌گیری و اجبار در تعامل با کودک	پرهیز از واداری کودک به کار سخت
توصیه به مهربانی و ترحم داشتن نسبت به کودکان	دوست داشتن کودک و ترحم به او در زندگی و هنگام وعده دادن به وی	شفقت‌ورزی
توصیه به مهربانی و محبت هنگام آموزش و تعلیم دادن به کودک	مهربانی در تعلیم	
توصیه به یاریگری، همراهی، همدلی و حمایت از کودک	یاری دادن به کودک و رفق و مدارا با او در امور زندگی	یاریگری
<ul style="list-style-type: none"> - توصیه به عفو و گذشت و پوشش خطاهای کودک در تعامل با وی - توصیه به عدم سرزنش و تکرار عتاب در تعامل با کودک - توصیه به عدم سرزنش و معاتبه در تعامل با کودک 	عفو و پوشیدن خطای کودک در تعامل با وی	گذشت از خطا

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد، محدوده، موقعیت‌ها و مؤلفه‌های آسان‌گیری در روایات اسلامی این‌گونه است که کودکان در هفت سال اول باید رها شوند تا به بازی بپردازند؛ آن‌گاه در سنین معین، آموزه‌های دینی را به صورت مختصر و متناسب با درک و فهم ایشان و بدون تشدید و سخت‌گیری، به ایشان آموزش داد؛ مگر آنکه در سن هشت‌سالگی، در صورتی که کودک تن به نماز ندهد، مقداری باید او را مؤاخذه کرد.

والدین در تعامل با کودک باید پذیرندگی داشته باشند و امور سهل و آسان را از ایشان بپذیرند و از تحمیل امور خارج از توانشان پرهیزند. الگوی موقعیت‌ها و مؤلفه‌هایی که در روایات به آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری توصیه شده است، در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

۱. مهلت دادن در بازی

ائمه اطهار علیهم‌السلام، هم در رفتار و هم در گفتار، به والدین توصیه کرده‌اند که در هفت سال اول، بازی را محور تربیت کودکان قرار دهند. اهمیت بازی در قرآن کریم نیز مغفول نمانده است. قرآن کریم در داستان حضرت یوسف علیه‌السلام نقل می‌کند که برادران او برای اینکه بتوانند یوسف را با خود به صحرا ببرند، برای راضی کردن پدرشان، به آن حضرت گفتند که به ما اجازه بده یوسف را با خود به صحرا ببریم تا در آنجا به بازی بپردازد: «قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ. أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف: ۱۱ و ۱۲). این مطلب نشان می‌دهد که نیاز کودک به بازی، اهمیت زیادی دارد و بازی کردن قوی‌ترین منطقی است که یعقوب علیه‌السلام را تسلیم خواسته فرزندانش می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۳۴؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۶۷).

دستورهای ائمه علیهم‌السلام به رها کردن کودک برای بازی کردن، صباوت، تحمل و صبر والدین تا اتمام بازی کودکان، و ذکر آثار روان‌شناختی بازی در کودکی، گواه خوبی برای اهمیت بازی کردن کودک در هفت سال اول و تأثیر بازی بر سلامت و رشد جسمی و روانی اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷ و ۵۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۷۱؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۲۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۵۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۷۲۶). در روایتی، امام کاظم علیه‌السلام شیطنت، لج بازی و بازی کردن کودک در کودکی را عامل زیادی عقل و اندیشه وی در بزرگی می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۴۵۳).^۱ در روایتی دیگر، محور تربیت کودکان تا هفت سال، آزاد گذاشتن آنها برای پرداختن به بازی ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷).^۲

انواع بازی، از جمله عوامل مهم رشد اجتماعی کودک است. بازی‌های آزاد، که در آن کودک با یک رفیق خیالی می‌آمیزد، سبب تجربه ایفای نقش‌های متعدد در کودک می‌شود و بازی‌های منظم یا سازمان یافته، باعث انتقال کلیت روابط شکل گرفته در مجموعه به کودک می‌گردد (ایمانی، ۱۳۶۷).

یکی از عوامل بسیار مهم رشد خلاقیت کودکان، آزادی عمل و عدم سخت‌گیری بر آنان است. خلاقیت و ابتکار کودک زمانی شکوفا می‌شود که او از آزادی عمل برخوردار باشد

۱. سُنَّحَتْ عَزَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَفَرِهِ: لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ: مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

۲. الإمام الصادق علیه‌السلام: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَالزَّيْمَةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَإِلَّا فَآئِتُهُ مَبْنٌ لَا خَيْرَ فِيهِ.

(نساجی‌زاده، ۱۳۸۴). در کتاب نگاهی نو به تربیت اسلامی، فوایدی برای بازی بیان شده است؛ از جمله اینکه «بازی زمینه نضج فیزیکی و کنترل بدنی کودک را فراهم می‌آورد. بازی در تکوین ساختمان شخصیت کودک نقش اساسی دارد و باعث گسترش بخش هشیار ذهن در ارتباط با اشیا و محیط، تخلیه هیجان‌ها و تعادل یابی می‌شود. بازی در تحول اجتماعی کودک اثر دارد و پیشرفت زبان و روابط اجتماعی کودک در گرو آن است. بازی در رشد خلاقیت تأثیر شگرفی دارد» (باقری، ۱۳۸۵).

بر اساس تحلیل محتوای روایات در این حوزه، مهلت دادن به کودکان دارای این مؤلفه‌هاست: رها گذاشتن کودک؛ مهربانی نسبت به بازی؛ صباوت؛ و عدم عجله برای اتمام بازی. نظریه‌ها و پژوهش‌های زیادی هستند که از جهاتی با این الگو مطابق و از جهاتی دیگر متفاوت‌اند.

پیازه معتقد است که بازی از تولد کودک آغاز می‌شود و تا یازده سالگی ادامه می‌یابد و کودک از طریق بازی به شناخت جهان پیرامون دسترسی می‌یابد. پیازه بازی کودکان را به سه مرحله تقسیم می‌کند: ۱. تمرینی (از تولد تا دوسالگی)؛ ۲. نمادی (از دو تا پنج سالگی)؛ ۳. باقاعده (از چهار تا هفت سالگی ادامه می‌یابد و تا کهن سالی به تکامل می‌رسد). از دیدگاه پیازه، کودک باید فرصت کافی برای درونی‌سازی تجربه‌ها داشته باشد تا به تعادل ذهنی و عاطفی دست یابد (سلیمانی، ۱۳۷۵).

نظریه پیازه از حیث آزادی دادن، فرصت فراهم کردن، تأثیر بازی بر رشد عقلی کودک و ایجاد زمینه بازی برای کودکان، با الگوی یافته‌شده در این پژوهش مطابقت دارد؛ اما از حیث تعیین سن و سال متفاوت است. از نظر اسلام، محور تربیت کودک، در هفت سال اول، بازی است و در هفت سال دوم، ملازم والدین بودن و تأدیب است؛ و نقش یادگیری از طریق الگوبرداری و آموزش، بسیار بااهمیت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷)؛^۱ اما از نظر پیازه، رشد شخصیت کودک تا یازده سالگی به انجام بازی‌های قاعده‌دار وابسته است و تا کهن سالی نیز ادامه می‌یابد.

از نظر برک، ایجاد رابطه محبت‌آمیز، توجه به کودک و رابطه کلامی در زمان بازی کردن او، زبان و هوش بهر بهتر را در دوره نوپایی و اوایل کودکی پیش‌بینی می‌کند (برک، ۱۳۹۵، ج ۱،

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَّهْلَ صَبِيَّتِكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَكَ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ صُمَّهُ إِلَيْكَ سَمِعَ سِنِينَ فَأَذِنَهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قِيلَ وَصَلَحَ وَالْأَفْعَلُ عَنَّهُ.

ص ۳۵۷). این ویژگی با مؤلفه مهربانی و صباوت با کودک، مطابقت دارد.

در پژوهشی با عنوان «بررسی فعالیت‌های بدنی و بازی در تحول ذهنی کودکان پیش‌دبستانی»، این نتیجه حاصل شد که میزان رشد ذهنی در کودکانی که فعالیت‌های بدنی و بازی‌های آموزشی داشته‌اند، از کودکان فاقد آن بیشتر است (سلمان، ۱۳۷۲). به‌طور کلی، بازی در ابعاد مختلف جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودک تأثیرگذار است (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰، به نقل از: شعاری نژاد، ۱۳۷۵؛ انگجی و عسکری، ۱۳۸۵).

۲. آسان‌گیری بعد از امر و حین آموزش دستورات دینی

با توجه به روایاتی که در یافته‌های پژوهش ذکر شدند، در هفت سال اول کودک، والدین باید آموزه‌های دینی را به‌صورت مختصر و متناسب با فهم و درک و سن او، به او بیاموزند و در زمان مناسب به‌صورت محدود و بدون سخت‌گیری، او را به انجام امور دینی متناسب، امر کنند. سپس کودک را آزاد بگذارند و سخت‌گیری نکنند. در هفت سال دوم، والدین باید کودکشان را به آداب فردی و اجتماعی تأدیب کنند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۰؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۳)؛ چراکه آموزه‌های دینی متناسب با فطرت است و به هیچ‌گونه تشدید و سخت‌گیری در آموزش آنها نیاز نیست. والدین تنها کاری که باید انجام دهند، آگاهی دادن از طریق آموزش و امر کردن به مقدار و کیفیت معین مفاهیم دینی است که باید متناسب با درک و فهم و سن کودک باشد. اما از هشت‌سالگی به بعد، کودک باید نماز را به هر نحو که در توانش هست، به‌پا دارد. در سن نه‌سالگی، اگر کودک نماز نخواند و وضو نگیرد، با مقداری گوش‌مالی باید او را به نماز واداشت (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱). مقدسی‌پور در پژوهشی با عنوان «اصول و روش‌های آموزه‌های دینی به کودکان»، اولین اصل در آموزش را اصل سهولت می‌نامد. منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از خشونت و سخت‌گیری پرهیز کرد؛ چراکه هدف از آموزش این مفاهیم، بالا رفتن شوق و انگیزه کودکان در یادگیری مفاهیم دینی است؛ درحالی‌که با سخت‌گیری، از شوق و انگیزه کودکان کاسته خواهد شد (مقدسی‌پور، ۱۳۸۲). سروش محلاتی (۱۳۸۸)، علاوه بر اینکه شیوه اجبار در تربیت دینی را دارای پیامدهای نامطلوب تربیتی می‌داند، مشروعیت اجبار در محیط خانواده را قابل دفاع نمی‌داند.

با توجه به تحلیل محتوای روایات مربوط به حوزه آموزه‌های دینی، در هفت سال اول، آموزش و امر به آموزه‌های دینی با نوعی سهولت و ترخیص آمیخته است و این سهولت، پس از امر، به نهایت خود می‌رسد و از این پس کودکان باید در آزادی کامل باشند؛ اما در هشت سالگی، به والدین توصیه شده است که اگر کودکشان نماز نخواند، او را مؤاخذه کرده، مقداری سخت‌گیری کنند و در نه سالگی از کودک بخواهند که به قدر توان، روزه بگیرد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱).

۳. آسان‌گیری در کیفیت ارضای نیازهای کودک

با توجه به روایاتی که پیش‌تر گذشت، امامان معصوم علیهم‌السلام به والدین سفارش کرده‌اند که در مقابله خود با کودک و تأمین نیازهای آنان (مانند خوردن و آشامیدن، پوشیدن، انجام امور عادی، حین اشتباهات کودک، بول کردن و نجس‌کاری، و...)، با کودکان نرم‌خو، مهربان، باگذشت و آسان‌گیر باشند. بر معاتبه و سرزنش اصرار نکنند؛ به‌هنگام عصبانیت تأدیب نکنند؛ پذیرنده امور کم و کمک‌کننده باشند و از اشتباهات کودک چشم‌پوشی کنند و به آنها رحمت داشته باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹ و ۵۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۴۰؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۵؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۶۳).

فروید معتقد است، والدینی که در مرحله مقعدی برای اعمال دفعی بیش‌ازاندازه سخت‌گیرند، سبب بروز احساس شرم و شک در کودک خواهند شد (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷). اریکسون بیان می‌کند که نوع رابطه مادر و کودک از تولد تا یک سالگی، تعیین‌کننده میزان اعتماد یا بی‌اعتمادی کودک به جهان پیرامون است. سبک مقتدرانه در تربیت، مناسب‌ترین سبک در ایجاد حس اعتماد در کودک است و سبک‌های مستبدانه، سهل‌انگارانه و طردکننده مادران، باعث ایجاد احساس بی‌اعتمادی می‌شود و به صورت نشانه‌هایی مانند افسردگی، ناامیدی و خشم بروز می‌یابد.

اگر مراقبین کودک در سال‌های دوم و سوم زندگی - که سن استقلال عمل کودک در مقابل شرم و تردید است - سخت‌گیری و بی‌حوصلگی به خرج دهند و کارهایی را که در حد توان کودک نیست، بر او تحمیل کنند، حس شرم در برابر دیگران و احساس ناتوانی در مهار خود و جهان پیرامون، در او تقویت می‌شود. سن سه تا شش سالگی سن ابتکار در مقابل احساس

گناه است. والدین باید فرصت و آزادی عمل در قلمروهای مختلف را به کودک بدهند تا احساس ابتکار و خلاقیت در کودک تقویت شود. والدین مستبد و تنبیه‌گر موجب ایجاد حس گناهکاری در کودک می‌شوند (دادستان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸-۱۹۸).

قائمی (۱۳۵۸) زیان‌های اجتماعی زیادی برای سرکوبی آزادی کودکان و اعمال محدودیت و سخت‌گیری در تعامل با کودک ذکر می‌کند: فرار از زندگی، خودخوری و از دست دادن اعتماد به نفس، و مقابله به مثل با رفتارهایی مانند بددهنی، حمله و تعرض، از جمله این زیان‌هایند.

با توجه به مجموع روایات مربوط به حوزه تعامل با کودک، مراد از سهل‌گیری و آزاد گذاشتن کودک، هرگز رها کردن کودک به حال خود و بی‌توجهی و بی‌محبتی به وی نیست؛ بلکه مراد این است که والدین نسبت به فرزندان خود رحمت و عطف داشته باشند و با عدم تشدید و سخت‌گیری و با ارضای نیازهای فطری کودک، مانند نیاز به بازی و نیز آزادی برای کشف هویت و توانایی‌های خود، به شکوفایی استعدادها و توانایی‌های کودکان کمک کنند. سخت‌گیری و تندخویی با کودک، زمینه بسیاری از بیماری‌ها و اختلالات، نظیر اضطراب، عدم اعتماد به نفس، بحران هویت، دلبستگی ناایمن، لجاجت، بزهکاری و رفتارهای ناسازگارانه را در شخصیت کودک به وجود می‌آورد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام*، محقق: آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی‌طالب علیهم‌السلام*، قم: علامه.
- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، تحقیق و تصحیح: احمد فارس صاحب‌الجوائب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع / دار صادر.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایمانی، محسن (۱۳۶۷)، «تربیت اجتماعی (مدارس)»، *تربیت*، ش ۳۱، ص ۲۹-۳۱.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵)، *نگاهی نو به تربیت اسلامی*، چ ۱۰، تهران: مدرسه.
- برک، لورا (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی رشد*، ج ۱، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۳، تهران: ارسباران.
- بستانی، فؤاد فرام (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی الفبائی (عربی - فارسی)*، تهران: اسلامی

- بهشتی، سعید و یگانه منطقی (۱۳۹۰)، «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم السلام»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ش ۲۷.
- پرچم، اعظم، مریم فاتحی‌زاده و حمیده الهاری (۱۳۹۱)، «مقایسه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری در اسلام»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۱۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الحکم*، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق/تصحیح: احمد عبدالغفور العطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، دمشق: دار الفکر.
- دادستان، پریخ (۱۳۹۵)، *گزیده‌ای از بزرگ‌ترین نظام روان‌شناسی تحولی*، تهران: سمت.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸)، *دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر*، تهران: دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار الشامیه.
- راموز، محبوبه (۱۳۹۷)، *کاربرد مفهوم آزادی از دیدگاه روسو در تربیت کودکان*، دومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- رایس، فلیپ (۱۳۸۷)، *رشد انسان: روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ*، ترجمه مهشید فروغان، تهران: ارجمند.
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۸)، «تأملی در مشروعیت اجبار در تربیت دینی»، *تربیت اسلامی*، ش ۹.
- سلیمان بن اشعث، (۱۴۲۰ق)، *سنن ابی‌داود*، شارح: عبدالخیر عبدالقادر، تحقیق: سید ابراهیم، قاهره: دار الحدیث.
- سلیمانی، ایوب (۱۳۷۵)، «بازی و نقش آن در رشد شخصیت کودکان»، *پیوند*، ش ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳.
- صاحب بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تحقیق/تصحیح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتاب.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تحقیق/تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۷)، *تدوین مدل مفهومی لذت‌بری سعادت‌گر بر اساس منابع اسلامی و ساخت و امکان‌سنجی طرح‌نمای درمانی آن در کاهش نشانگان افسردگی*، پایان‌نامه دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ق)، *قاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: مؤسسه دار الهجره.

- قائمی، علی (۱۳۵۸)، «حدود آزادی در تربیت کودک»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، س ۱۹، ش ۳، ص ۱۷-۱۹.
- قرآنی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، محمد آخوند، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، تحقیق: محمدباقر محمودی، عبدالزهرا علوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، *صحیح مسلم*، تصحیح: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دار الحدیث.
- مقدسی پور، علی (۱۳۸۲)، «اصول و روش‌های آموزه‌های دینی به کودکان»، *معرفت*، ش ۷۵ (ادیان، مذاهب و عرفان).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوروزی، علی و رضا احمدی (۱۳۸۶)، «درآمدی بر آسیب‌شناسی تربیت دینی»، *مصباح*: ش ۷۱، ص ۱۶۱-۱۹۰.
- نساجی زاده، اسماعیل (۱۳۸۴)، «آسیب‌شناسی خلاقیت کودکان در خانواده»، *پیوند*، ش ۳۱۶، ص ۴۶-۵۵.